

یادداشت:
دکتر حسن
موسوی چلک
رئیس انجمن مددکاران

به فکر دیگران باشیم

یکی از ویژگی‌های جامعه انسانی سالم این است که مردم از بودن در کنار هم احساس راحتی می‌کنند، چون نسبت به هم بی‌تفاوت نیستند. این مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران پشتوانه خوبی برای مردم محسوب می‌شود و می‌تواند اعتماد به نفس افراد را بالا ببرد. در روابط بین فردی کسانی که چنین رفتاریایی دارند ضمن این که خود مروج روابط انسانی در جامعه هستند، نزد مردم هم از محبوبیت خاصی برخوردارند و به اصطلاح به آنها می‌گویند «دست به خیر هستند». این دست به خیری الزاما به منزله «دادن پول» به دیگران نیست، بلکه منظور کسانی هستند که نسبت به مشکلات دیگران احساس مسئولیت می‌کنند و بی‌تفاوت نیستند.

برخی افراد هم در قالب يك تشکل غیردولتی سعی می‌کنند به فکر دیگران باشند و در عرصه‌های مختلف ظرفیت‌های خودشان را در اختیار دیگران قرار دهند، یکی آموزش رایگان می‌دهد، یکی کار داوطلبانه برای دیگران هست، مثلا در هفته چند ساعت خدمت تخصصی‌اش را ارائه می‌کند، دیگری از افرادی مراقبت می‌کند، بیماری را به مقام می‌برد، اگر همکاری گرفتاری دارد برای رفع آن تلاش می‌کند. اگر زنی تنه‌است برای تهیه اقلام زندگی‌اش همکاری می‌کند، اگر صبح برای خود نان می‌خرد برای او هم نان تازه می‌خرد، در نظافت خانه‌اش کمک می‌کند و... ببینیم چقدر راحت است که به فکر دیگران باشیم. این را باور دارم که از هر دستانی بدیداد دست‌دیگری بگیرد.

خداوند پاداش این کار هر يك از ما را به شکل مناسب‌تری به ما خواهد داد. ضمن این که با این رفتارها زندگی هم زیباتر می‌شود. این روزها که ویروس کرونا در جهان و از جمله ایران شیوع پیدا کرده است دو نوع رفتار را شاهد بودیم، عده‌ای که روابط غیرانسانی دارند و گرافروشی و احتکار می‌کنند تا وسایل بهداشتی را گران‌تر بفروشند و این افراد همیشه منفور هستند و جامعه این رفتار غیرانسانی‌شان را نمی‌پسندد. در مقابل این افراد هستند کسانی که همین وسایل را رایگان توزیع می‌کنند و وقتی این نوع اخبار را می‌شنویم احساس زندگی و زنده بودن پیدا می‌کنیم. عده‌ای داوطلبانه به این بیماران خدمات می‌دهند و... یا هنگام حوادث طبیعی شاهد رفتارهای انسانی از مردم هستیم. اگر افرادی در سیل و توفان گرفتار شوند دیگران حواس‌شان به آنها هست.

اینها هستند که زندگی را زیبا می‌کنند. این که سهم هر يك از ما در ایجاد چنین فضایی در زندگی خودمان و در ارتباط با دیگران چقدر هست هرکسی خودش می‌تواند قضاوت کند، ولی ما مددکاران اجتماعی به دلیل نوع شغلی که داریم بارها و بارها چنین فضایی را تجربه کردیم که با هیچ چیز نمی‌توان وصفش کرد. به قول حافظ شیرازی: ده روز مهر گردون افسانه است و افسون / نیکی به جای یاران فرصت شمار یار.

حق با
شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

# ماسک - نظارت
حاجی‌زاده از تهران:

دستفروشان مترو ماسک و مواد ضد عفونی‌کننده می‌فروشند درحالی‌که این کالاها در داروخانه‌ها یافت نمی‌شود! چرا مسؤولان محترم نسبت به توزیع ماسک و مواد ضد عفونی‌کننده نظارت بیشتری ندارند؟

# ابهام - رتبه‌بندی
فرهنگی از کیلان:

وزارت آموزش و پرورش ادعای پیاده‌سازی طرح رتبه‌بندی معلمان را دارد درحالی‌که گروه‌های ۴ و ۵ که معلمان با سابقه هستند کمترین افزایش حقوق را داشته‌اند. چرا؟

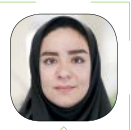
# قیمت - ضد- عفونی
جمعی از شهروندان:

با وجود تولید بی‌وقفه ماسک و مواد ضد عفونی‌کننده در کشور، کماکان قیمت این کالاها گران است و امیدوارم دولت محترم در این رابطه اقدام موثری صورت دهد.

جوابیه

در پی درج پيامی در روز دوشنبه ۹۸/۱۱/۷ با عنوان «هزينه کرایه‌های خودروهای برقی داخل بازار» رئيس روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۲ تهران با ارسال نمابری‌اعلام کرد: خودروهای برقی فعال در محدوده بازار از سال ۹۶ درحال جابه‌جایی شهروندان به صورت غیررایگان و با دریافت کرایه برابر قیمت مصوب شورای اسلامی شهر تهران است. لازم به ذکر است انتخاب پیمانکار از طریق درج آگهی مزایده و برابر تشریفات قانونی صورت گرفته است. همچنین رئيس روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۲ از حسن‌نیت شهروند محترمی که در روز پنجشنبه مورخ ۹۸/۱۱/۷ پيامی با عنوان «رسیدگی و ساماندهی معابر و مشاغل خیابان مصطفی خمینی» را گزارش کرد، کمال سپاسگزاری از حسن‌نیت وی را دارد.

در پی درج پيامی در روز چهارشنبه ۹۸/۱۲/۱۴ با عنوان «ساخت و ساز» سرپرست روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۹ تهران با ارسال نمابری‌اعلام کرد: در بازدید انجام شده از کوچه‌اردانی در خیابان ماهان، مشاغل ساخت و ساز مشاهده شد که هیچ‌گونه درختی در ملک یاد شده وجود نداشت. ضمن این‌که در این محدوده با توجه به بافت موجود قابلیت کاشت درخت جدید وجود ندارد.



نگیس خاتعلی‌زاده

جامعه

اسم پرستار که می‌آید، همه تصویر يك فرد مهربان و دلسوز را می‌کنند؛ این‌طور که از صدای شما هم به نظر می‌رسد، معلوم است از آن پرستارهای مهربان هستید؛ درست فکرمی‌کنیم؟

خب راستش نمی‌دانم؛ این را بقیه باید بگویند ولی خودم که عاشق پرستار بودن هستم و سعی می‌کنم همیشه با روی خوش به بیماران رسیدگی کنم. این چیزی نیست که امروز و دیروز به آن رسیده باشیم. خیلی وقت است که دلم می‌خواهد با این شغلی که دارم، با جان و دل برای کسانی که به من نیاز دارند، انرژی بگذارم.

حالا چرا پرستاری؟

من از سال ۸۱ پرستار هستم؛ همان شغلی که همیشه و قبل از قبول شدن در دانشگاه هم آرزویش را داشتم. یادم است روزهای قبل از دانشگاه، وقتی فیلمی یا تصویری از پرستارها می‌دیدم، آرزو می‌کردم که يك روزی مثل آنها باشم و مثل آنها بتوانم به مردم کمک کنم و بالاخره هم این اتفاق افتاد. شک ندارم اگر زمان به عقب برگردد، دوباره پرستار می‌شوم.

حتی اگر به سختی‌هایش در چنین روزهایی هم آگاه باشید؟

بله حتما؛ از روز اول هم از سختی‌هایش آگاه بودم. البته تا قبل از ویروس کرونا هم سختی‌ها و اتفاقات متفاوتی را در این حرفه تجربه کرده بودم. راستش شعار نیست ولی برای يك پرستار، لذت حال خوب مردم به همه این شب و روزهای سخت می‌آرزد.

یعنی در این سال‌ها تجربه شرایط سختی مثل این دوره و شبیه ویروس کرونا را داشتید؟

یادم است که چند سال پیش، بحران اچ و ان وان داشتم. آن موقع سرپرستار نبودم و يك پرستار معمولی بودم. باید شیفت می‌ماندم و آن روزها هم همه همکارانم استرسی‌مانند این روزها داشتند. ممکن بود هر کدام از ما آن بیماری را بگیریم. ماسک می‌زدیم، مدام دست‌هایمان را می‌شستیم. یادم است که سر آن موضوع هم نزدیک به دو ماهی درگیرش بودیم و بالاخره گذشت و تمام شد. مثل این روزها که می‌دانیم بالاخره می‌گذرد و تمام می‌شود.

اما در این بحران بود که شما يك تصمیم تقریباً مهم گرفتید؛ شما جشن عروسی‌تان را که با شیوع کرونا

همزمان شد، لغو کردید. چطور به این فکر افتادید؟

تاریخی که ما برای زمان مراسم عروسی‌مان مشخص کرده بودیم، هشتم اسفند ماه بود. یعنی تقریباً هفت هشت روزی از شیوع ویروس کرونا در کشور گذشته بود و همه در اوج نگرانی و استرس بودند. ویروس جدیدی بود و اطلاعات راجع به آن کم و برای همین نگرانی‌ها درباره آن زیاد بود. ما هم روزهای بسیار شلوغ و پرنشی را می‌گذرانیدیم. یادم است يك هفته قبل از عروسی، من در خانه بودم اما اعصابم خیلی خرد بود و تمام مدت پیگیر همکارانم در بخش بودم که چه شده و چه کار می‌کنید. از طرف دیگر درگیر

آن زمان که تصمیم گرفتید به خاطر رسیدگی به بیماران، مراسم ازدواج خود را عقب بیندازید، فکرمی‌کردید مورد تقدیر رهبر هم قرار بگیرید؟

اصلا فکرش را هم نمی‌کردم. آن روز، همکارم يك فیلم کاملاً معمولی و يك مصاحبه معمولی از من گرفت و در فضای مجازی منتشر کرد که خانم آنتوتن عروسی‌اش را کنسل کرده است؛ همین! من هیچ‌وقت فکرش را نمی‌کردم چنین موضوعی بتواند آنقدر سر و صدا کند.

وقتی خبرش را شنیدید که رهبر از شما به عنوان پرستاری که مراسم عروسی‌اش را لغو کرده، حرف زده‌اند، چه احساسی داشتید؟

بدون اغراق می‌توانم بگویم شوکه شدم و از این که پرستار هستم، به خودم افتخار کردم. آن روز من شیفت بودم و از ماجرا خبر نداشتم. وقتی به خانه آمدم، پدرم به من گفت رهبر انقلاب درباره تو حرف زده‌اند. راستش وقتی آن را شنیدم، اشک‌هایم بی‌اختیار سرازیر شد؛ اتفاقی که واقعا دست خودم نبود. در آن لحظات، حس غرور دلچسپی به من دست داده بود که کاری کرده‌ام که رهبرم از من تشکر کنند. می‌دانید؛ خیلی از کادر درمان و آدم‌ها در جایگاه‌های مختلف این کار و حتی کارهای مهم‌تر از این انجام داده‌اند اما برای من خبرساز شد و حقیقتاً به خودم بابت چنین شغلی و به خودم و همسرم بابت تصمیم‌مان بالیدم.



گفت‌وگو با آمنه آنتوتن؛ پرستاری که در اولین روزهای شیوع کرونا مراسم عروسی‌اش را به روزهای پساکرونا موکول کرد

بماند برای روزهای خوشی

خدا ی نکرده در چنین مراسمی حتی يك نفر آلوده شود و شرمندگی‌اش برای ما بماند. آن روزهای اول، هنوز تعطیلی تالارها پیش نیامده بود و این تصمیمی بود که باید قبل از رخ دادن اتفاق بدی، جلوییش را می‌گرفتیم.

خانواده‌هایتان چطور؟ آنها هم در این تصمیم همراهی‌تان کردند؟

بله کاملاً؛ خانواده همسرم و خانواده خودم به طور صد در صد موافق تصمیم‌مان بودند و همگی خدا را شکر می‌کنیم که مراسمی نگرفتیم تا خدایی نکرده اتفاقی بیفتد که دینی برگردن کسی داشته باشیم. من هم با خیال آرام‌تری توانستم به کار مشغول باشم و به بیمارها رسیدگی کنم و در روزهای اوج کرونا، در کنار همکارانم باشم.

قبل از همه این ماجراها، اصلا فکرش را می‌کردید که اتفاقی باعث تعویق مراسم‌تان شود؟

اصلاً به ذهنم نمی‌رسید؛ آن هم عاملی مثل ویروس کرونا، ولی حتماً صلاحی که خدا برای ما دیده بود در این اتفاق بود.

و حالا این روزهایتان چطور می‌گذرد؟

خدا را شکر که حمایت‌های خوبی صورت گرفت، لباس‌ها و تجهیزات خوبی در اختیارمان قرار گرفت، اطلاعات همه بالا رفت و آگاهی‌ها منجر به کم شدن نگرانی‌های جامعه و کادر درمانی شد. در واقع نسبت به روزهای اول، اوضاع بهتر و قابل‌مدیریت است. در طول این مدت آموزش‌های خوبی ارائه شد و این آگاهی‌ها توانست کمی از نگرانی‌های همه مردم و حتی ما را کم کند. روزهای اول، مردم با نشانه‌های ساده هم به بیمارستان هجوم می‌آوردند، مریض‌ها با وجود حال نه چندان بدشان گریه می‌کردند و حال و روز هیچ‌کس خوب نبود؛ اما الان کمی اوضاع بهتر شده است. در حال حاضر، خیلی راحت‌تر با این موضوع برخورد می‌کنیم و همین باعث بهبود نتیجه می‌شود. راستش در آن روزها، من واقعا باید به طور تمام و کمال در جایگاهم می‌ماندم.

این روزها، ذهن‌تان مشغول مراسم‌تان که قرار بود يك ماه پیش برگزار شود، نیست؟

اگر بگویم نه دروغ گفته‌ام اما اصلاً دلم نمی‌خواست در شرایطی عروسی بگیرم که خاطره بدی برای خودمان و کسی بماند، در عوض آن می‌توانم به جشنی فکر کنم که قرار است بعد از این داستان‌ها و در اوضاع آرام و با خیال راحت برگزار شود و خاطره خوشی از آن در ذهنم بماند.

حالا چه زمانی برای جشن عروسی‌تان در نظر گرفته‌اید؟

اولش تصمیم داشتیم به اردیبهشت موکولش کنیم اما بعید می‌دانم و احتمالاً بماند برای بعد از ماه مبارک رمضان و ماه‌های خرداد و شاید هم تیر.